

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 9, Autumn 2020, 167-186
Doi: 10.30465/crtls.2020.30170.1789

A Critical Study of the Book
From Crisis to Collapse, Exploration of
the Permanence or Collapse of Political Systems

Ebrahim Taheri*

Abstract

Revolutionary waves have always been a challenge to political systems. The culmination of these revolutions was in the twentieth century. In the 21st century, revolutions have become a serious challenge to the political systems of the Middle East and North Africa. To explain why and how the revolution took place, the general theories and models of the revolution have been presented by political scientists. This is especially true for sociologists of the revolution. Hossein Bashirieh, a former associate professor at the University of Tehran with a specialization in political sociology, is trying to provide general analytical models in this regard. The book *From Crisis to Collapse: An Inquiry into the Persistence or Collapse of Political Systems* is written with this approach in mind, which will be reviewed and criticized in this study. In this regard, a general introduction about the work and the author will be presented in the introduction. Then, in the second topic, in two separate domains, the formal and content aspects of the work are examined, and finally, in the third topic, with a critical approach, the formal and content shortcomings of the book are mentioned. Moreover, the conclusion is the final part of this article.

Keywords: Crisis, Collapse, Persistence, Political Systems, Revolution.

* Assistant Professor of Political Science, Yazd University, etaheri@yazd.ac.ir

Date received: 2020-05-07, Date of acceptance: 2020-10-31

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی انتقادی کتاب از بحران تا فروپاشی: کندوکاوی در ماندگاری یا فروپاشی نظام‌های سیاسی

ابراهیم طاهری*

چکیده

امواج انقلابی همواره هم‌چون چالشی علیه نظام‌های سیاسی عمل کرده است. اوج این انقلاب‌ها در قرن بیستم بود. در قرن بیست‌ویکم نیز انقلاب‌ها به چالشی جدی علیه نظام‌های سیاسی منطقه خاورمیانه تبدیل شد. برای تبیین چرایی و چگونگی وقوع انقلاب نظریه‌ها و مدل‌های عام انقلاب از سوی اندیشمندان علوم سیاسی ارائه شده است. این امر به‌ویژه نزد جامعه‌شناسان انقلاب رایج است. حسین بشیریه، استاد سابق دانشگاه تهران با حوزه تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی، سعی در ارائه مدل‌های عام تحلیلی در این زمینه دارد. کتاب *از بحران تا فروپاشی: کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی* وی که با این رویکرد به‌رشته تحریر درآمده است در این پژوهش بررسی و نقد خواهد شد. به این منظور، ابتدا کلیاتی در مورد اثر و نویسنده ارائه خواهد شد؛ سپس در دو محور جداگانه امتیازهای شکلی و محتوایی اثر بررسی می‌شود؛ و نهایتاً با رویکردی انتقادی به کاستی‌های شکلی و محتوایی کتاب اشاره می‌شود؛ نتیجه‌گیری بخش پایانی این نوشتار را به خود اختصاص می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: بحران، فروپاشی، ماندگاری، نظام‌های سیاسی، انقلاب.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، etaheri@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

۱. مقدمه

از نیمه دوم قرن ۱۸ و نیمه اول قرن ۱۹ تا کنون امواج انقلابی به چالشی جدی برای انواع مختلف نظام‌های سیاسی تبدیل شده است. اوج تغییرخواهی در قرن ۲۰ بود و البته در قرن ۲۱ نیز با وقوع ناآرامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بار دیگر این چالش نمایان شد. موج شورش‌های مردمی که از سپتامبر ۲۰۱۰ میلادی بسیاری از کشورها را در بر گرفت هنوز در این منطقه راهبردی فروکش نکرده است، به گونه‌ای که در نتیجه این حوادث امروز در کشورهایی هم‌چون لیبی، یمن، سوریه، و بحرین نظام سیاسی در تلاش برای حفظ خویش در عین رقابت با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ در هریک از این کشورهاست. وقوع تحولی به این فراگیری باعث تعجب همه از جمله اندیشمندان علوم انسانی شده است و هرکس به فراخور رشته تخصصی‌اش تلاش کرده است تحولات مذکور را تحلیل کند. با وجود این، در مورد ریشه‌های این انقلابات اختلاف نظر جدی وجود دارد. مهم‌ترین دلیل سردرگمی ناشی از دلایل وقوع انقلاب بود. ریشه‌های این انقلاب‌ها در دموکراتیزاسیون، تلاش برای احیای ارزش‌های اصیل اسلامی به وسیله انقلابیون، بحران مالی و اقتصادی، و مداخله خارجی خلاصه می‌شود. البته به نظر می‌رسد که همه اندیشمندان در تحلیل وقایع رخ داده دچار نوعی تک‌بعدی‌نگری شده‌اند و از ارائه تحلیل‌های جامع ناکام مانده‌اند. برخی از تحلیل‌گران نیز تلاش کرده‌اند که مدل‌های خاصی را برای تحلیل وقایع مذکور ارائه دهند. برخی دیگر هم‌چون حسین بشیریه با لحاظ رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی مقایسه‌ای دلایل وقوع انقلاب در کشورهای شمال آفریقا و عدم وقوع این پدیده در کشورهای دیگر از جمله اروپا و آمریکای شمالی در دوره زمانی بحران‌های مالی از جمله سال ۲۰۰۸ میلادی پرداخته‌اند.

۲. معرفی کلی اثر و نویسنده

حسین بشیریه دکترای تخصصی خود در رشته علوم سیاسی با گرایش نظریه سیاسی را در سال ۱۹۸۲ میلادی از دانشگاه لیورپول اخذ کرده است. او تا سال ۱۳۸۷ در دانشگاه تهران مشغول به تدریس بود، اما از آن سال تا کنون در دانشگاه سیراکیوز نیویورک و در دانشکده علم سیاست مشغول به کار شده است. وی دارای تألیفات بسیاری در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است. در حوزه انقلاب نیز کتابی با عنوان *انقلاب و بسیج سیاسی* نگاشته است. البته کتاب *گذار به مردم‌سالاری دینی* او به الگوی تحلیلی وی برای کتاب *از بحران تا فروپاشی، کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی* تبدیل شده است.

کتاب از بحران تا فروپاشی، کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی توسط نشر نگاه معاصر و در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. همان‌طور که نویسنده در مقدمه اثر نیز اشاره کرده، این اثر حاصل تدریس درس «انقلاب‌های خاورمیانه» در دانشگاه سیراکیوز بوده است. مدل تحلیلی مورد استفاده وی در این کتاب بر این اساس است که شرایط پیدایش و تفاوت در پی‌آمدهای مختلف ناآرامی در کشورهای مختلف ناشی از برخورد دو دسته متغیر است؛ چهار متغیر مربوط به دولت عبارت‌اند از: بحران مشروعیت، بحران کارآمدی، بحران وحدت درونی گروه حاکم، و بحران در دستگاہای سلطه و سرکوب. چهار متغیر مربوط به جنبش و بسیج انقلابی عبارت‌اند از: حجم نارضایتی عمومی، سازمان‌دهی، ایدئولوژی انقلابی، و رهبری.

این کتاب اثری نسبتاً جدید در مورد چرایی وقوع انقلاب در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و عدم وقوع این پدیده در کشورهای اروپایی از جمله اسپانیا، انگلستان، و یونان و کشور آمریکا در آمریکای شمالی با استفاده از مدل تحلیلی ذکر شده است. برای دستیابی به این هدف، نویسنده علاوه بر مقدمه، در دو بخش در ۱۲۰ صفحه تلاش کرده است فرضیه خویش را اثبات کند.

نویسنده در مقدمه کتاب (۹-۱۹) چهارچوب نظری پژوهش را مطرح کرده و با رویکردی قیاسی - استقرایی تلاش می‌کند تا مدل تحلیلی مورد نظر در کل کتاب را عملیاتی کند. در واقع، در همان مقدمه چهارچوب نظری خویش را با ملاحظه رابطه میان نظام‌های سیاسی و جنبش‌های اعتراضی بیان می‌کند. از نظر نویسنده، هر جا حجم، سازمان، رهبری، و برد جنبش اعتراضی محدود بود و دولت از پیش با مشکل مشروعیت و قانونی بودن روبه‌رو نبود یا دستگاه اداری توانایی لازم برای رسیدگی به بحران را داشت یا شکاف در درون دستگاه سرکوب پدیدار نشد و وحدت درونی گروه‌های حاکم به واسطه بحران حفظ شد دولت‌ها ماندگار شدند. او این صورت‌بندی را برای برخی کشورهای غربی صادق می‌داند. از سوی دیگر، در جاهایی که دولت از پیش درگیر بحران قانونیت و کارآمدی بود بحران‌های اقتصادی نیز باعث تشدید این وضعیت می‌شد که البته این امر خود وحدت درونی گروه‌های حاکم را نیز از بین می‌برد و از میزان وفاداری گروه‌های نظامی و سرکوب می‌کاست، و جنبش‌های انقلابی از حیث بسیج، سازمان‌دهی، و برد دارای حجم قابل ملاحظه‌ای می‌شدند، دولت دچار شکنندگی و آسیب‌پذیری بیش‌تری می‌شد و کار به فروپاشی رژیم می‌انجامید که البته این صورت‌بندی در مورد کشورهایی چون مصر، لیبی، و تونس صادق بود. میان این دو وضعیت درجات گوناگونی از بحران، جنبش، و واکنش

وجود داشت که نمونه‌هایی از آن‌ها را می‌توان در کشورهای یونان و مراکش که نه تماماً آسیب‌پذیر و نه تماماً ماندگار بودند مشاهده کرد.

در بخش دوم (همان: ۱۹-۵۳) نویسنده به‌طور موردی مدل استخراجی خویش در وضعیت بحرانی را در مورد محور غربی یعنی آمریکا، اسپانیا، انگلستان، و یونان با لحاظ بحران مالی سال ۲۰۰۸ عملیاتی می‌کند. این فصل به چهار بخش تقسیم می‌شود و در هر بخشی بحران مالی ۲۰۰۸ و پی‌آمد آن بر رابطه حکومت‌های آمریکا، اسپانیا، انگلستان، و یونان با جامعه‌شان را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. بشیریه در مورد اروپا مدعی است که بحران از آمریکا به سایر نقاط جهان از جمله این قاره سرایت کرد که البته در اروپا از سایر حوزه‌ها فراتر رفت و به بحران بدهی دولت‌ها منجر شد و سیاست ریاضت اقتصادی با هدف جبران کسری بودجه باعث افزایش رکود، بی‌کاری، و شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی و گسترش مبارزات طبقاتی در بخشی از جامعه اروپایی شد. این بحران خود را در حلقه‌های ضعیف‌تر اقتصاد اروپایی یعنی در اسپانیا، انگلستان، و یونان به شکل آشکارتری جامعه و حکومت را درگیر کرد.

در مورد اسپانیا نویسنده اعتقاد دارد بحران مالی باعث بی‌کاری ۳۶ درصدی جامعه در این کشور شد که البته با لحاظ افزایش قیمت‌ها و بالارفتن مالیات بر کالاهای مصرفی در قالب سیاست ریاضت اقتصادی به جنبشی اثرگذار علیه ساختار حکومت تبدیل شد، اما نتوانست از جنبشی اجتماعی و اعتراضی به جنبشی سیاسی و انقلابی تبدیل شود، چراکه اهداف آن صرفاً اقتصادی بود و سردم‌داران جنبش علاقه‌ای به ایجاد ائتلاف با احزاب سیاسی نداشتند. علاوه بر آن، مشروعیت کلی حکومت از سوی اعضای جنبش زیر سؤال نرفت، اگرچه در قالب موج دموکراسی دوم گاه‌گاهاً این هدف دنبال می‌شد. عامل دیگر ناتوانی در ایجاد خدشه در وحدت سیاسی طبقه حاکم بود؛ برای مثال، با آن‌که حزب اتحاد چپ یکی از سازمان‌های رهبری‌کننده جنبش بود، اما به دنبال درگیری بین اعضای جنبش و دستگاه سرکوب با دولتی‌ها اظهار هم‌دردی کرد و اعلام کرد که با هیچ‌یک از آن‌ها نسبت سیاسی ندارد. همه این عوامل باعث فروکش کردن جنبش اعتراضی شد.

در انگلستان نیز جنبش به دلایلی به سرنوشتی چون سرنوشت جنبش اسپانیا دچار شد، به‌ویژه که دموکراسی انگلستان از ۱۶۸۸ تا کنون روند روبه‌رشدی را طی کرده است. با وجود تداوم عنصر سطنتی، اشرافی، و موروثی‌گری، قدرت قانون‌گذاری در پارلمان به‌ویژه مجلس عوام متمرکز است و از آن زمان پادشاه یا ملکه قدرت مطلق را ندارد. به همین دلیل، این ترکیب خاص نظام سیاسی چالش عمده‌ای نزد عامه مردم ایجاد نکرده است. تنها نقد به

نظام سلطنتی در این کشور جمهوری خواهی بوده است که این تمایل نیز بیش تر از سوی اعضای حزب کارگر مطرح می شود. بنابراین، آماج حملات اعضای جنبش کلیت نظام حزبی بود، نه کلیت نظام سیاسی در انگلستان. در نتیجه، هیچ گاه اپوزیسیون ساختارمند جدی ای در درون نظام سیاسی انگلستان شکل نگرفت، به طوری که اندیشمندان سیاسی بر اپوزیسیون داخلی انگلستان نام اپوزیسیون وفادار را نهاده اند. نقش خشونت و سرکوب خشونت آمیز پلیس (که برخی آن را با حکومت مارگارت تاچر مقایسه کرده اند) و اقدامات پلیس در مجرمانه تشخیص دادن اعمال جنبش باعث شد در نظرسنجی ای که از سوی مؤسسه ای معتبر انجام شد ۷۵ درصد مردم نوع برخورد پلیس را مناسب بدانند و حتی در این مورد با پلیس اظهار هم دردی کنند. بنابراین، در این کشور نیز جنبش اعتراضی نتوانست به جنبشی انقلابی تبدیل شود و در نهایت ناکام ماند.

نویسنده بخش دوم کتاب (همان: ۶۵-۱۰۹) را به بحران اقتصادی و فروپاشی سیاسی در شمال آفریقا اختصاص داده است. بشیریه معتقد است تأثیر بحران اقتصادی در کشورهای عرب صادرکننده نفت و دیگر کشورهای عربی متفاوت بوده است، به طوری که کشورهای صادرکننده طی بحران موفق به جذب منابع مالی بیش تر به سبب افزایش قیمت نفت شدند، در حالی که کشورهایی که صادرکننده نفت نبودند به علت کم شدن درآمدهای صادراتی و توریستی توان بازپرداخت بدهی هایشان را نداشتند؛ لیبی و سوریه به علت بسته بودن کم تر آسیب دیدند، اما کشورهایی که به میزان بیش تری با اقتصاد جهانی پیوند خورده بودند، مثل کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، بیش ترین آسیب را متحمل شدند. همه کشورها هم چون غربی ها سیاست تزریق پول به بازار را در پیش گرفتند و به ویژه پشتوانه مالی کشورهای ثروتمند در مهار کردن بحران مؤثر بود. از سوی دیگر، ضعف سنت سیاسی، ضعف اپوزیسیون، و ساختار قدرت دولتی باعث شد در این کشورها بحرانی رخ ندهد. با وجود این، وی در مورد شمال آفریقا به طور مفصل تری وارد بحث می شود و به بررسی تأثیر بحران در کشورهای هم چون تونس، مصر، لیبی، و مراکش می پردازد. در تونس، مصر، و لیبی به علت برهم خوردن تعادل میان نظام سیاسی و جنبش اعتراضی به نفع دومی پدیده انقلاب رخ داد، اما در مراکش به دلیل این که پادشاه دست به مجموعه ای از اصلاحات زد و بخشی از اختیارات خود را به نخست وزیر منتخب مردم از طریق پارلمان واگذار کرد اعتراضات فروکش کرد. به بیان دیگر، در این کشور نظام سیاسی از پادشاهی مطلقه به سمت پادشاهی مشروطه تغییر منش داد و حاصل آن ماندگاری نظام سیاسی بود.

۳. بیان امتیازهای شکلی و محتوایی اثر

در این قسمت تلاش می‌شود امتیازهای شکلی و محتوایی اثر به اختصار بررسی شود.

۱.۳ امتیازهای شکلی اثر

هر پژوهشی که به رشته تحریر درمی‌آید دارای نقاط قوت محتوایی و شکلی است. کتاب *بحران تا فروپاشی: کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی* نیز از این قاعده مستثنی نیست. در ادامه به این نقاط قوت اشاره خواهد شد.

از مهم‌ترین نقاط قوت کتاب از نظر شکلی فهرست تفصیلی کتاب است که به خوبی محتوای اثر را بازتاب می‌دهد و با عنوان کتاب نیز هم‌خوانی دارد. در واقع، نویسنده عنوان کتاب را به صورت کلی ذکر کرده و در فهرست به شاخص‌های خویش جنبه عینی‌تر داده و ذهن خواننده را آماده مرور کلی مطالب کرده است. همچنین، این کتاب دارای نمایه اشخاص و نمایه مربوط به نهادها و سازمان‌های سیاسی - اقتصادی در هریک از کشورهای ذکر شده و در عرصه بین‌المللی است که یکی از نقاط کلیدی و مهم کتاب است.

طرح جلد انتخاب شده بیان‌گر محتوای درونی کتاب است، به گونه‌ای که وضعیت اعتراضی و انقلابی را به نمایش می‌گذارد که توسط انواع اسکناس‌ها، دلار و یورو، احاطه شده است. در واقع منظور نویسنده این بوده است که بحران‌های مالی (با اسکناس‌های مختلف) می‌تواند به بحران‌های سیاسی (تصویر جمعیت در حال اعتراض) منجر شود.

از دیگر ویژگی‌های برجسته و ظاهری این کتاب داشتن فصل‌های مجزا از هم است که به صورت مقایسه‌ای درکی کلی از نوع برخورد نظام‌های سیاسی در غرب و خاورمیانه در برابر بحران‌های مالی‌ای که با آن روبه‌رو می‌شوند ارائه می‌دهد. کتاب دو بخش جداگانه دارد. در هر بخش چهار کشور بررسی شده است که بررسی مقایسه‌ای در این مورد به خوبی صورت گرفته و نقاط اختلاف دو منطقه به خوبی نشان داده شده است.

داشتن صفحه‌بندی متناسب (به گونه‌ای که موجب خستگی خواننده نشود) هم‌راه با بیان سلیس، روان، و ایرادهای ویرایشی و نگارشی اندک جذابیت منحصر به فردی به کتاب داده است. در نهایت باید خاطر نشان کرد که حجم اندک کتاب (گرچه می‌تواند ضعف انگاشت شود) نقطه قوت شکلی آن محسوب می‌شود، به خصوص که باعث شده است نویسنده از بیان مطالب اضافی خودداری کند و خواننده را با توجه به هدفی که دنبال می‌کند زودتر به

هدف موردنظرش رهنمون سازد. در واقع، موجزنویسی یکی از نقاط قوتی است که کم‌تر در جامعه علمی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

۲.۳ امتیازهای محتوایی

در کنار امتیازهای شکلی، آنچه این اثر را متمایز کرده است امتیازهای محتوایی آن است. یکی از مهم‌ترین امتیازهای محتوایی کتاب این است که نویسنده آن را در ادامه نظریات سابقش (البته با کمی اصلاح و کم‌وزیادکردن‌ها) روی کاغذ آورده است. بشیریه در کتاب *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران* به تقابل میان دو طبقه بورژوازی و کارگر در وقوع انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ اشاره می‌کند، جایی که بورژوازی جدید از حق رأی طبقه تحصیل کرده حمایت می‌کند و دولت مطلقه پهلوی دوم از اصلاحات ساختاری در اقتصاد و سیاست سر باز می‌زند (بشیریه ۱۳۹۴: ۳۵). هم‌چنین، در کتاب *انقلاب و بسیج سیاسی* (۱۳۷۲) انقلاب را حاصل عدم توازن میان نیروهای طرف‌دار وضع موجود و مخالفان وضع موجود قلمداد می‌کند. در *از بحران تا فروپاشی* در مورد عوامل شکل‌دهنده انقلاب نیز به همان عواملی اشاره می‌کند که نزدیک به سه دهه قبل در *انقلاب و بسیج سیاسی* به آن‌ها اشاره کرده بود. برای مثال، عوامل شکل‌دهنده به انقلاب را نارضایتی اجتماعی، پیدایش گروه‌های بسیج‌گر، ناتوانی قوای سرکوب‌گر دولت و تلاش برای ایجاد ساخت جدید قدرت می‌داند (بشیریه ۱۳۷۲). نویسنده با نگاهی جامع تلاش کرده است همه نظریه‌های انقلاب را با هم ترکیب کند و از این طریق، چهارچوب نظری و مفهومی پژوهش خویش را استخراج کند (ملکوئیان و دیگران ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد که بشیریه برای دستیابی به هدف خویش نظریه‌های روان‌شناختی انقلاب، بسیج توده‌ای، کارکردگرایی، و حتی مارکسیسم را ترکیب کرده است تا نظریه‌ای جامع برای تبیین ماندگاری یا فروپاشی نظام‌های سیاسی در شرایط بحران ارائه دهد.

از دیگر امتیازهای محتوایی اثر می‌توان به نبودن موضوع انتخابی اشاره کرد. این کتاب هرکسی را که قصد داشته باشد درکی کلی از تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا به‌ویژه بعد از حوادث ۲۰۱۱ میلادی به‌دست آورد به خواندن ترغیب می‌کند، چراکه نویسنده با بررسی مقایسه‌ای کشورها تلاش کرده است تا ریشه‌های سقوط نظام‌های سیاسی در شمال آفریقا و ماندگاری این نظام‌ها در آمریکا و سه کشور اروپایی را به‌منزله فرضیه پژوهش خویش به‌اثبات برساند و در این زمینه تاکنون کتابی با رویکرد جامعه‌شناسی انقلاب به‌رشته تحریر درنیامده است.

تلاش نویسنده برای ارائه نظریه و مدلی تحلیلی برای وقوع ناآرامی در کشورهای مختلف از دیگر نقاط قوت این پژوهش است. باین‌که این پژوهش حجم اندکی دارد، به‌خوبی مدلی را تحلیل کرده و پیش‌بینی تحولات در کشورهای مختلف را ارائه داده است که البته در مورد خاورمیانه و شمال آفریقا نیز کاربرد دارد. این امر نشان از خلاقیت نویسنده دارد. در واقع مدلی که وی ارائه کرده است می‌تواند بین حوزه‌های نظری و عملی ارتباط برقرار کند. مدل طراحی شده به افزایش دانش در چهارچوب عملی می‌انجامد و پژوهش را به سمت پژوهش‌های مهم رهنمون می‌کند، از حوزه انتزاع و غیرکاربردی بودن فاصله می‌گیرد، و از قابلیت آزمون و خطا برخوردار است (دانایی فرد ۱۳۸۹: ۱۰۰-۱۰۲).

این اثر دارای انسجام محتوایی است، به‌گونه‌ای که نویسنده توانسته است براساس چهارچوب نظری‌ای که مدنظر داشته به صورت موردی در کشورهای مختلف فرضیه خویش را عملیاتی کند. برای این منظور، ابتدا وضعیت کلی اقتصادی در این کشورها را با رویکرد بحران مالی باز کرده، سپس در بخشی دیگر ظرفیت‌ها و توان دولت را تحلیل کرده و در آخر به ظرفیت و توان جنبش اشاره کرده است که به‌خوبی بیان‌گر درک نویسنده از ارتباط مسائل با یک‌دیگر به‌منظور دستیابی به نتیجه‌گیری‌های منطقی است.

از دیگر نقاط قوت محتوایی کتاب حاکم‌بودن رویکرد بین‌رشته‌ای بر آن است، به‌گونه‌ای که نویسنده با ترکیب مفاهیم سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی و حتی گاه‌تاریخی تحلیلی مبتنی بر واقعیت را در مورد وقوع انقلاب در کشورهای منطقه شمال آفریقا و عدم وقوع انقلاب در کشورهای غربی از جمله آمریکا و انگلستان ارائه داده است. اهمیت این موضوع زمانی بیش‌تر می‌شود که بدانیم یکی از ابزارهایی که می‌تواند در رشد و توسعه تمامی علوم، به‌ویژه علوم انسانی، ایفای نقش کند توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای است که می‌تواند به کاربردی‌تر شدن علوم انسانی به‌طور عام و علوم سیاسی به‌طور خاص بینجامد (قاسمی و میدی ۱۳۹۴: ۱).

در کلیت کتاب تلاش شده است تا گذار به دموکراسی (که از ۱۳۸۵ بر آن تأکید شده است) مورد توجه قرار گیرد. بشیریه در مقاله‌ای با عنوان «گذار بر دموکراسی از چشم‌انداز بسیج سیاسی» وضعیت گذار را متضمن تحکیم رژیم حاکم از یک‌سو و احتمال پیدایش رژیم دموکراتیک از سوی دیگر دانسته است. در این وضعیت حتی ممکن است رژیم تغییر کند و در نهایت کشمکش میان رژیم حاکم و اپوزیسیون ممکن

است به پیروزی یکی یا دیگری بینجامد و رژیم به سمت دموکراسی سوق پیدا کند یا رژیم غیردموکراتیک به فعالیت خود ادامه دهد (بشیریه ۱۳۸۵: ۴۷-۴۸). هم‌چنین، در کتاب *از بحران تا فروپاشی* به نقش نخبگان حاکم خیلی توجه شده است، همان‌طور که در گذشته نیز بشیریه در مقاله «نقش نخبگان در گذار به دموکراسی» بر این اعتقاد است که نخبگان‌اند که جامعه را به سمت دموکراتیزاسیون سوق می‌دهند و در این زمینه تجربه تاریخی اسپانیا را مثال می‌زند (بشیریه ۱۳۸۳). به همین ترتیب، او اعتقاد دارد که جامعه توده‌ای در ابتدا ممکن است دست به اصلاحاتی با هدف دموکراتیزاسیون بزند، اما برآیند کار آن‌ها شکل‌گیری رژیم‌های مبتنی بر استبداد و شبه‌دیکتاتوری است. به همین دلیل هم در کتاب *نقش نخبگان مراکشی* انتقال جامعه از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه را تأیید می‌کند.

ویژگی مهم این کتاب روش پژوهش دقیق و عینی آن است. نویسنده ابتدا سؤال خویش را مطرح می‌کند، در گام بعد در پاسخ به سؤال فرضیه پژوهش را ارائه می‌دهد، و در نهایت شاخص‌های مربوط به متغیر مستقل را بیرون می‌کشد و با ارائه آمارهایی فرضیه خویش را به اثبات می‌رساند. نویسنده در قالب استقرا از مشاهدات به فرضیه و سپس از فرضیه به استنباط منطقی دست پیدا کرده است و پی‌آمدهایی را که در صورت درست‌بودن رابطه فرض شده پیش خواهد آمد قیاس کرده است.

۴. بیان کاستی‌های شکلی و محتوایی اثر

در این بخش به صورت مختصر به ضعف‌های شکلی و محتوایی اثر پرداخته می‌شود. ابتدا، به برخی از ضعف‌های شکلی اثر اشاره می‌کنیم.

۱.۴ کاستی‌های شکلی

یکی از ایرادهای شکلی مهم این پژوهش آن است که نویسنده در بخش‌های زیادی به جای ویرگول از «و» استفاده کرده است. برای مثال، در در آخرین پاراگراف صفحه ده کتاب آورده است: «براساس نظریه بالا هر جا از یک سو حجم و سازمان و رهبری و برد جنبش اعتراضی محدود بود» (همان: ۱۰)، در حالی که باید می‌نوشت: «براساس نظریه بالا هر جا از یک سو حجم، سازمان‌دهی، رهبری، و برد جنبش اعتراضی محدود بود». در ادامه، در جدول ۲ موارد اشتباه آمده است.

جدول ۲. استفاده از «و» در جایی که «،» ضروری است

مشروعیت و کارایی و سلطه و...	مشروعیت، کارایی، سلطه، و وحدت	ص ۱۸، بند ۲، خط ۳
ضدشورش، کاربرد خشونت و	ضدشورش، کاربرد خشونت، و ...	ص ۴۰، بند ۱، خط ۱
حجم و وزن و گرایش و ایدئولوژی	حجم، وزن، گرایش، و ایدئولوژی	ص ۴۷، بند ۱، خط ۱
منظم و صلح‌آمیز و قانونی	منظم، صلح‌آمیز، و قانونی	ص ۴۸، بند ۱، خط ۴
سلطنتی و اشرافی و موروثی	سلطنتی، اشرافی، و موروثی	ص ۴۹، بند ۲، خط ۵
اموال و منازل و فروشگاه‌ها	اموال، منازل، و فروشگاه‌ها	ص ۵۱، بند ۲، خط ۶
کارگری و فعالان و اعضای ...	کارگری، فعالان، و اعضای	ص ۵۶، بند ۲، خط ۳
خشونت و چپاول و غارت و فرار	خشونت، چپاول، غارت، و فرار	ص ۷۷، بند ۲، خط ۱۰
حجم و توان و تداوم و نیز شکاف	حجم، توان، تداوم، و شکاف	ص ۷۸، بند ۱، خط ۲
سرکوب و وعده‌سازش و اصلاح	سرکوب، وعده‌سازش، و اصلاح	ص ۸۵، بند ۲، خط ۱
لیبرال و دمکرات و ناسیونالیست	لیبرال، دموکرات، و ناسیونالیست	ص ۸۷، بند ۱، خط ۲
آموزش و بهداشت و خدمات	آموزش، بهداشت، و خدمات	ص ۹۶، بند ۲، خط ۳
بسیج و سازمان‌دهی و رهبری	بسیج، سازمان‌دهی، و رهبری	ص ۹۷، بند ۱، خط ۱
تونس و مصر و لیبی	تونس، مصر، و لیبی	ص ۱۰۷، بند ۲، خط ۳
پارلمان و احزاب و آزادی انتخابات	پارلمان، احزاب، و آزادی انتخابات	ص ۱۰۸، بند ۲، خط ۳
مصر و تونس و لیبی	مصر، تونس، و لیبی	ص ۱۰۸، بند ۳، خط ۱

هم‌چنین، نویسنده معمولاً «در» و «طی» را کنار هم آورده است که در ادبیات نوشتاری فارسی رایج نیست. هنگامی که از «در» استفاده می‌شود به‌کاربردن «طی» در کنار آن صحیح نیست و بالعکس یا قبل از «و» از «او» از ویرگول استفاده کرده است؛ برای نمونه در صفحه ۱۱ پاراگراف اول، خط ۱۱، آورده است: «به وحدت درونی گروه‌های حاکمه و به وفاداری نیروهای نظامی و انتظامی آن‌ها آسیب رسید، و نیز جنبش‌های انقلابی از حیث بسیج و سازمان‌دهی و برد پر حجم‌تر بودند» (همان: ۱۱)، درحالی‌که بعد از ویرگول استفاده از «و» ایراد دارد.

از دیگر ضعف‌های شکلی کتاب این است که عنوان کتاب می‌توانست بررسی مقایسه‌ای آثار و پی‌آمدهای بحران مالی بر فروپاشی یا ماندگاری نظام‌های سیاسی در خاورمیانه و اروپا باشد. هر نویسنده‌ای که متن کتاب را مطالعه کند بیش‌تر به نقش بحران‌های مالی در فروپاشی و ماندگاری نظام‌های سیاسی پی می‌برد، درحالی‌که وقتی عنوان کتاب مطالعه می‌شود کاری با رویکرد بیش‌تر نظری به‌ذهن متبادر می‌شود. با مطالعه کتاب بیش‌تر مسائل عینی در کتاب مطرح می‌شود و این نقدی جدی بر کار وارد می‌کند،

به طوری که با مرور کتاب ملاحظه می شود که مباحث نظری بسیار اندکی مطرح شده و بیش تر به صورت موردی در مورد کشورهای خاص بحث شده است.

ضعف دیگر این کتاب استفاده از منابع دست دوم است، به گونه ای که نویسنده برای ارائه اطلاعات آماری به مراکز آمار این کشورها و سایت های معتبر جهانی از جمله بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، و سازمان تجارت جهانی مراجعه نکرده و از منابع ارائه شده توسط نویسندگان دیگر استفاده کرده است.

نویسنده در بحث های کتاب به منابع اینترنتی استناد کرده است، اما در بسیاری از موارد لینک منبع مورد استفاده را برای راهنمایی خوانندگان در فهرست منابع ذکر نکرده است؛ برای مثال، از اطلاعات مربوط به *فابینشال تایمز* استفاده کرده، اما صرفاً عنوان مطلب مورد استفاده و تاریخ را ذکر کرده است (همان: ۱۱۵)؛ یا گاه اسم سایتی برای مثال بی.بی.سی. را آورده (همان: ۱۱۵)، ولی عنوان مطلب مورد استفاده را ذکر نکرده است. نویسنده در منابع و مآخذ نهایی مطالب برگرفته از کتاب، مقاله، و سایت های مرجع اینترنتی را از هم جدا نکرده است که خود می تواند به آشفتگی ذهنی خوانندگان منجر شود، در حالی که می توانست با جدا کردن منابع برگرفته از کتاب، مقاله، و منابع اینترنتی به دسترسی آسان خوانندگان به منابع کمک کند.

غلط های املائی و دستوری کمی در میان واژگان متن دیده می شود که انتظار می رود در چاپ های بعدی کتاب اصلاح شود. در جدول ۱ برخی از این غلط ها هم راه با شکل صحیح پیش نهادی آن آورده شده است.

جدول ۱. جدول واژگان و عبارات نادرست

نشانی	واژه با کاربرد غلط	واژه با کاربرد صحیح
ص ۱۰، بند ۴، خط ۴	موجود	موجودیت
ص ۲۰، خط ۷	می نمودند	می کردند
ص ۲۴، بند ۲، خط ۶	در بین	میان
ص ۲۶، بند ۲، خط ۴	گرداوری	گردآوری
ص ۲۶، بند ۲، خط ۹	سیتل	سیاتل
ص ۲۶، بند ۳، خط ۱	در جمع	به طور خلاصه
ص ۳۲، بند ۱، خط ۴	در بین	در
ص ۳۳، بند ۳، خط ۱	در طی	طی

نشانی	واژه با کاربرد غلط	واژه با کاربرد صحیح
ص ۴۸، بند ۲، خط ۲	سرکوبی	سرکوب
ص ۴۶، بند ۱، خط ۲	فرجام‌خواهی	فرجام‌خواهی
ص ۷۰، بند ۲، خط ۵	خشک‌سالی	خشک‌سالی
ص ۷۷، بند ۲، خط ۲	دولت موقتی	دولت موقت
ص ۸۳، بند ۱، خط ۱	نارضایی	نارضایتی
ص ۸۳، بند ۲، خط ۳	ایترنت	شبکه‌های مجازی
ص ۸۶، بند ۳، خط ۳	اسلام‌گرای گوناگونی	اسلام‌گرای گوناگون
ص ۹۵، بند ۱، خط ۲	دمکراسی بلاواسطه	دموکراسی مستقیم
ص ۹۵، بند ۴، خط ۵	از	درباره
ص ۹۵، بند ۵، خط ۱	سکیولاریسم	سکولاریسم
ص ۹۷، بند ۲، خط ۱	فوریه ۲۰۱۹	فوریه ۲۰۱۱

از دیگر ایرادات شکلی کتاب این است که نویسنده در جاهایی از کتاب واژه‌هایی را به صورت پشت سرهم آورده که تکرار آن‌ها در متن فارسی آن هم به صورت بلافاصله رایج نیست. برای مثال، در صفحه ۴۹، بند ۳، خط ۷، دو واژه «سپس» و «پس»، صفحه ۵۳، بند ۲، خط ۳، «در آغاز، در اوایل ۲۰۰۶»، صفحه ۸۳، بند ۳، خط ۳ و ۴، «در جلوه‌های گوناگونی در قالب اعتراضات»؛ البته این اشکال ممکن است ناشی از ترجمه ناقص اثر باشد.

ضعف دیگر کتاب این است که نویسنده به تحلیل تحولات مربوط به جهان عرب مبادرت ورزیده است، اما حتی یک مورد از منابع مورد استفاده در پژوهشش نیز به زبان عربی نیست و همه منابعی که استفاده کرده به زبان انگلیسی است.

و در نهایت این که نتیجه‌گیری کتاب خیلی محدود است و نویسنده به دو صفحه برای نتیجه‌گیری بسنده کرده است. این در حالی است که نویسنده می‌توانست به صورت مقایسه‌ای پی‌آمدهای متفاوت بحران مالی بر کشورهای منطقه شمال آفریقا، اروپا، و آمریکا را مورد توجه قرار دهد.

۲.۴ کاستی‌های محتوایی کتاب

در این بخش به چند مورد از کاستی‌های محتوایی اثر اشاره خواهد شد، هر چند شاید از منظر دیگران این اشکالات به کتاب وارد نباشد.

۱.۲.۴ کم توجهی به ادبیات نظری پژوهش

نویسنده به صورت خیلی محدودی به ادبیات نظری پژوهش پرداخته و در قالب مقدمه‌ای کوتاه و یادداشتی کم حجم به مباحث نظری پژوهش ورود کرده است، در حالی که می‌توانست فصلی جداگانه را به رابطه میان جنبش‌های اعتراضی و نظام‌های سیاسی اختصاص دهد. همین امر باعث می‌شود که این کتاب قابلیت منبع بودن برای درس دو واحدی دانشگاهی را نداشته باشد. در واقع کتاب دارای ضعف بنیان‌های نظری است و به نظر می‌رسد که نویسنده در این کتاب را برای جامعه دانشگاهی به رشته تحریر درآورده یا برای جامعه سیاست‌گذاری دچار نوعی سردرگمی است. این کتاب بیش‌تر به پایان‌نامه‌های مقاطع تحصیلات تکمیلی می‌ماند که در آن نویسنده برای اثبات فرضیه چهارچوبی نظری مطرح کرده و براساس آن چهارچوب نظری تلاش کرده است با ارائه موارد متعدد ادعای خویش را اثبات کند. در واقع، نویسنده می‌توانست در قسمتی با عنوان ادبیات پژوهش و مباحث مربوط به تحلیل رابطه دولت و جنبش‌های سیاسی مباحث نظری را ذکر و آن‌ها را دسته‌بندی کند. قاعدتاً نویسنده باید به صورت مفصل و مجزا به این مسئله می‌پرداخت تا نبودن پژوهش خویش با هدف رفع خلأ ادبی و نظری برای خوانندگان را تبیین کند. به عبارتی، نویسنده باید در قالب فصل کلیات ادبیات پژوهش را مورد توجه قرار می‌داد و نقاط قوت و ضعف هریک از منابع را بیان می‌کرد تا در روشن کردن هدف پژوهش به او کمک کند. با این شیوه قادر بود هم خلأ نظری در مورد ادبیات پژوهش را پر کند و هم با دیدی انتقادی هدف پژوهش خود را به صورتی آگاهانه‌تر دنبال کند.

۲.۲.۴ توجه بیش از حد به عامل بحران اقتصادی و بی توجهی به سایر عوامل

اگرچه نویسنده در کل کتاب سعی در ارائه تحلیلی واقع‌بینانه از تحولات کشورهای مورد بررسی دارد، اما به نظر می‌رسد بیش‌تر بر عامل بحران اقتصادی و مالی به منزله عامل شروع بحران پرداخته است؛ مثلاً در صفحه اول مقدمه، در پاراگراف اول می‌آورد:

سال ۲۰۰۸ م نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی جهان بوده است. با آغاز بحران مالی در آن سال فصل تازه‌ای در مبارزات اجتماعی و طبقاتی و رودرویی میان نیروهای اجتماعی و دولت‌ها در کشورهای بسیاری گشوده شد. بر طبق قوانین عام فرایند پویای نظام اقتصادی جهانی برای چندمین بار بحران مالی و اقتصادی گسترده‌ای دامن‌گیر بیش‌تر کشورها می‌شد (بشیریه ۱۳۹۴: ۹).

وی ادعا می‌کند که نظام سرمایه‌داری با بحران‌های دائم روبه‌رو می‌شود و برای فرار از این وضعیت دست به سیاست ریاضت اقتصادی می‌زند که این سیاست معمولاً به‌ضرر طبقات پایین و به‌نفع طبقات بالاست. درحالی‌که این گفتارها نشان می‌دهد که نویسنده به‌نوعی ناقد نگاه سرمایه‌داری است، در جاهای مختلف کتاب از دموکراسی به‌منزله محصول نظام سرمایه‌داری تمجید می‌کند و این امر حاصل نوعی تناقض در افکار اوست. این درحالی است که عامل شروع بحران در نظام‌های سیاسی می‌تواند سیاسی، اقتصادی، و حتی اجتماعی - فرهنگی یا مجموعه‌ای از این عوامل باشد. لزوماً عامل اقتصاد تبیین‌گر رابطه دولت و جنبش‌های سیاسی نیست. ازطرفی برای تحلیل عملکرد نظام‌های سیاسی رویکرد سیستمی به‌خوبی می‌تواند راه‌گشا باشد. در این قالب هریک از بخش‌های سیستم بخشی از وظایف محول‌شده را انجام می‌دهند؛ درحالی‌که وظیفه بخش اقتصادی تأمین نیازهای رفاهی شهروندان است، وظیفه بخش اجتماعی - فرهنگی بیان دستاوردهای نظام به‌گونه‌ای است که آن را مشروع جلوه دهد؛ به‌عبارتی وظیفه این بخش ایجاد مشروعیت برای آن نظام است؛ وظیفه بخش حقوقی - سیاسی نظارت بر دیگر بخش‌ها به‌منظور عملکرد بهتر آن‌هاست؛ و درنهایت وظیفه بخش نظامی تأمین امنیت شهروندان است. هر نظامی که در تأمین هریک از این کارویژه‌ها با ناکارایی روبه‌رو شود ممکن است به‌سمت بحران و فروپاشی سوق داده شود. هر نظامی از طریق این کارویژه‌هایش با محیط خویش در ارتباط است؛ در صورتی‌که تقاضایی از سیستم از سوی محیط پیرامونی صورت گیرد و سیستم به‌خوبی کالاهای مورد درخواست آن‌ها را عرضه نکند با مشکل روبه‌رو می‌شود (قوام ۱۳۹۲: ۳۵-۴۰). ازجهت دیگر، در بررسی مقایسه‌ای نظام‌های سیاسی در اروپا - آمریکا و خاورمیانه و شمال آفریقا باید به‌مطلبی توجه کرد: در صورتی‌که تحلیل نویسنده از تحولات منطقه را بپذیریم، باید بدانیم در اروپا و آمریکا ابتدا یک طبقه اقتصادی روی کار آمد که این طبقه با هدف پیش‌برد منافع خود شروع به مفهوم‌سازی در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی - فرهنگی کرد. در بخش اقتصادی مفهوم بازار آزاد ایجاد شد، در بخش سیاسی مفهوم دموکراسی، و در بخش اجتماعی - فرهنگی مفهوم شهروند. همه این تحولات درکنار هم باعث به‌وجودآمدن نظام‌های سیاسی پایدار در این مناطق شده است. این درحالی است که در خاورمیانه و شمال آفریقا چنین تحولاتی رخ نداده و فرایند دولت - ملت‌سازی از بیرون توسط قدرت‌های اروپایی ازجمله انگلستان و فرانسه به‌ویژه در قالب موافقت‌نامه سایکس - پیکو به کشورهای منطقه تحمیل شده است (مرادزاده و شاکری خوئی ۱۳۹۴: ۱۲۴). حاصل این تحولات نقش طبقه نظامی در

تحولات رخ داده در منطقه بوده است. این طبقه مایل به ایجاد تحولات در سه حوزه ذکر شده نیست، چراکه باعث از دست رفتن کنترل آن‌ها در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی می‌شود. برای مثال، در مصر اگرچه اخوان المسلمین موفق به انقلاب شد و بعد از چندین دهه قدرت را به دست گرفت، اما نادیده گرفتن نقش نظامیان و ارتشی‌ها در سیاست باعث شد که بار دیگر همین گروه قدرت را به دست گیرند. از طرف دیگر، خاورمیانه هم‌چنان در مرحله پارادایم امنیتی است، همین امر باعث قدرت‌مندی طبقه نظامیان شده است، در حالی که در اروپا و آمریکا جامعه از پارادایم رفاهی هم عبور کرده و وارد پارادایم احترام و منزلت شده است. بنابراین، سنخ تحولات در جامعه اروپایی متفاوت با سنخ تحولات در خاورمیانه است و ارائه مدل‌های عامی که قادر به تحلیل تحولات در همه نقاط جهان باشد تقریباً غیرممکن است.

۳.۲.۴ عدم دقت لازم در کاربرد واژه‌ها و مزیت جدول

نویسنده در جاهایی از دو وضعیت آسیب‌پذیری و ماندگاری سخن به میان می‌آورد (بشیریه ۱۳۹۴: ۱۲)، در حالی که به نظر واژه آسیب‌پذیری بیش‌تر بیان‌گر وضعیتی است که حتی نظام‌های که در آخر ماندگار می‌شوند نیز ممکن است دچار آن شوند؛ بنابراین، نویسنده در برابر واژه ماندگاری باید واژه‌ای دقیق‌تر به کار می‌برد. بنابراین، می‌توانست در برابر واژه ماندگاری واژه فروپاشی صرف را به کار برد، نه همراه با آسیب‌پذیری را. به همین ترتیب، همان‌طور که اشاره شد، برخی کشورها با اصلاحاتی که انجام می‌دهند ماندگار می‌شوند و این کشورها وضعیت نهایی سوم‌اند؛ در این مورد یونان و مراکش قابل ذکرند. بنابراین، واژه‌های دقیق‌تری باید آورده شود تا به خوبی بیان‌گر آن‌چه اتفاق افتاده است باشد؛ برای مثال، می‌توانست ماندگاری همراه با اصلاح نظام سیاسی را در مورد مراکش به کار برد.

یکی دیگر از ضعف‌های اثر این است که نویسنده مزیت جدول را فراموش کرده است. این امر به‌ویژه در جایی که آمارهای گوناگون در متن ارائه می‌شود می‌تواند باعث ابهام و حتی گیج‌شدن خوانندگان سطور شود. برای مثال، در صفحاتی از کتاب آمارهایی ارائه شده است که گاهاً باعث سردرگمی خواننده مطلب می‌شود. برای مقابله با این وضعیت بهتر بود نویسنده با ارائه جدول‌ها و نمودارهایی تفاوت در وضعیت‌ها را به خواننده نشان دهد و از سردرگمی وی جلوگیری به عمل آورد. برای مثال، در صفحات ۲۳، ۳۲-۳۳، ۴۶-۴۷، ۵۵-۵۶، ۷۱-۷۲، ۷۷-۷۸، ۸۱-۸۲، ۹۲، و حتی ۱۰۴ می‌توانست با ارائه جدول‌ها و نمودارهای آماری به درک بیش‌تر خوانندگان کمک کند.

۴.۲.۴ وجود استدلال‌های متناقض در کتاب

در بخش‌هایی از متن نویسنده دچار تناقض می‌شود؛ برای مثال در بررسی موردی مربوط به تونس مدعی می‌شود:

تونس تحت حکومت زین‌العابدین ابن علی با اروپا و آمریکا روابط سیاسی و اقتصادی محکمی داشت، به نحوی که وقتی جنبش اعتراضی آغاز شد، حمایت آشکاری از سوی غرب صورت نگرفت و حتی دولت آمریکا اعلام داشت که در کشمکش‌های داخلی تونس از هیچ جناحی حمایت نخواهد کرد (همان: ۷۱).

تناقض در این نوشته کاملاً روشن است؛ از یک طرف مدعی شده است حکومت زین‌العابدین پیوندهای سیاسی، اقتصادی، و سیاسی با غرب داشت؛ از طرف دیگر، مدعی می‌شود آمریکا از این کشور حمایتی به عمل نیاورد.

در جایی دیگر نویسنده مدعی می‌شود «در مراکش برخلاف تونس، مصر، و لیبی تأکید جنبش اعتراضی بر خواسته‌های اقتصادی بود، نه بر تقاضای سیاسی برای تغییر رژیم»، در حالی که در ادامه مطلب می‌آورد: «در ۲۰ فوریه هزاران نفر با بسیج از طریق اینترنت در رباط راه‌پیمایی کردند و خواستار قانون اساسی جدید و آزادی‌های مدنی شدند» (همان: ۱۰۴). بر این کار هم نشان می‌دهد که سلطان با تغییر قانون اساسی بخش زیادی از اختیارات خود را به نخست‌وزیر اعطا کرد و نخست‌وزیر رئیس دولت و رئیس قوه مجریه شد و به جای پادشاه حق انحلال پارلمان را نیز به دست آورد؛ البته سلطان در مقام فرمانده کل قوا و بالاترین مقام مذهبی کشور باقی می‌ماند (همان: ۱۰۶). با این تحولات به نظر می‌رسد که نظام سیاسی کشور از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه تغییر شکل داد که این امر نشان از وقوع تحولی انقلابی در این کشور دارد. نویسنده در بخش دیگری از کتاب این فرض را مطرح می‌کند: «اقتصاد کشورهای لیبی به خاطر بسته بودن اقتصادشان مصون از بحران ماندند» (همان: ۶۵)، در حالی که اقتصاد لیبی بسته بود، اما از بحران مصون نماند. حتی براساس استدلال نویسنده که مدعی است «وضع در مورد کشورهای غیرنفتی بسیار وخیم‌تر شد، زیرا در شرایط بحرانی بسیاری از آن‌ها توانایی بازپرداخت بدهی‌های بین‌المللی خود را از دست دادند» (همان: ۶۷)، باز این مسئله در مورد لیبی صدق نمی‌کند، چراکه لیبی کشوری غیرنفتی نبود و شدیداً وابسته به درآمدهای نفتی، پس چرا به سمت بحران رفت.

۵. نتیجه‌گیری

اگر به صورت عینی به فضای تحلیل در جامعه دانشگاهی ایران بنگریم خواهیم دید که بخش اندکی از این جامعه تلاش می‌کنند مدل‌هایی را ارائه دهند که هم قادر به تحلیل باشند و هم قادر به پیش‌بینی؛ به بیان دیگر، نویسنده تولید را بر مصرف‌گرایی (که جامعه دانشگاهی ایران تا حدودی گرفتار آن است) ترجیح داده است. اگرچه تا حدودی مدل وی بیش‌تر تحت تأثیر نظریاتش در دهه‌های قبل (از جمله *انقلاب و بسیج سیاسی و گذار به مردم‌سالاری*) است، با وجود این، بشیریه در این اثر تلاش کرده بر نقش بحران‌های مالی در فروپاشی حکومت‌ها تأکید ورزد. نویسنده نقطه شروع بی‌ثباتی در نظام‌های سیاسی را عنصر اقتصاد می‌داند. البته این امر تا حدودی به واقعیت نزدیک است، اما در علوم انسانی به‌طور عام و علوم سیاسی به‌طور خاص نمی‌توان نقطه آغاز و فروپاشی حکومت‌ها را عاملی خاص دانست و این پدیده را به همه نظام‌های سیاسی تعمیم داد. برای مثال، ممکن است جامعه‌ای از نظر اقتصادی در فقر مطلق باشد، اما از آن‌جاکه از نظر سیاسی نظامی دموکراتیک دارد به سمت بحران حرکت نکند و برعکس کشورهای وجود دارند که از نظر اقتصادی میزانی از رفاه را تجربه کرده‌اند، اما به دلیل بسته‌بودن جامعه از نظر سیاسی ممکن است به سمت بی‌ثباتی و درنهایت فروپاشی حرکت کنند.

از نظر شکلی نیز به نظر مهم‌ترین نقطه قوت این کتاب نثر سلیس و روان نویسنده است که در کنار غلط‌های ویرایشی و نگارشی اندک خواننده را به مطالعه ادامه مطلب ترغیب می‌کند. با مطالعه متن کتاب نقش بحران‌های مالی در فروپاشی و ماندگاری نظام‌های سیاسی بیش‌تر آشکار می‌شود، درحالی‌که عنوان کتاب کاری با رویکرد بیش‌تر نظری را به ذهن متبادر می‌کند. بنابراین، عنوان کتاب برای تناسب بیش‌تر با محتوا می‌توانست «بررسی مقایسه‌ای آثار و پی‌آمدهای بحران مالی بر فروپاشی یا ماندگاری نظام‌های سیاسی در خاورمیانه و اروپا» باشد. کتاب می‌تواند به دو بخش تقسیم شود: بخش اول کتاب به ابعاد نظری اختصاص داده شود و بخش دوم به بحث عملیاتی و مطالعات موردی معطوف شود. نقش مداخلات خارجی در تحقق یا عدم تحقق تحولات انقلابی در کشورهای منطقه باید مدنظر قرار گیرد، به گونه‌ای که نویسنده به میزان بیش‌تری به نقش انگلستان، فرانسه، و آمریکا در وقوع تحولاتی که در این منطقه رخ می‌دهد توجه کند. هم‌چنین، نویسنده می‌تواند کلیت منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را در دستور کار قرار دهد و زیرسیستم‌های مختلف منطقه از جمله خلیج فارس، حوزه شامات، آسیای صغیر، و شمال آفریقا را از هم متمایز و تحولات در این مناطق را تحلیل کند.

کتاب‌نامه

- بشیریه، حسین (۱۳۹۵)، *از بحران تا فروپاشی (کنادوکاوی در ماندگاری و آسیب‌شناسی نظام‌های سیاسی، تهران: نگاه معاصر.*
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴)، *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران، تهران: نگاه معاصر.*
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، «گذار بر دموکراسی از چشم‌انداز بسیج سیاسی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۱.*
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، «نقش نخبگان در گذار به دموکراسی»، *بازتاب اندیشه، ش ۸۳.*
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲)، *انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.*
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۹)، «مدلی مفهومی برای ساخت نظریه‌های کاربردی در علوم اجتماعی: چگونه دنیای معنابخشی کارورزان و اندیشمندان را به هم پیوند دهیم؟»، *فصل‌نامه روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۶، ش ۶۴ و ۶۵.*
- قاسمی، علی‌اصغر و رضیه امامی میبدی (۱۳۹۴)، «نقش و جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور»، *فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۷، ش ۴.*
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲)، *سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: سمت.*
- ملکوتیان، مصطفی، خرم بقایی، و هومن نیری (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی نظریه‌های انقلاب»، *فصل‌نامه سیاست، دوره ۴۱، ش ۲.*
- مرادزاده، صدیقه و احسان شاکری خوئی (۱۳۹۵)، «بحران دولت - ملت‌سازی و نقش آن بر شکل‌گیری و تکوین بنیادگرایی دینی در خاورمیانه (مطالعه موردی عراق و سوریه)»، *مطالعات جامعه‌شناسی، س ۸، ش ۳۱.*